مهار ایران

مرور ۱۰ گزارش از ۸ اندیشکده مطرح خارجی درباره محاصره زمینی ایران توسط امریکا

(استفاده از مطالب صرفا با ذکر منبع مجاز است.)

بخش‌های گزارش:

مقدمه
خلاصه مدیریتی
گزارشات و یادداشت‌های اندیشکده‌های خارجی درباره محاصره زمینی ایران توسط امریکا
تحلیل راهبردی
نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

رصد، ترجمه و تنظیم: گروه رصد بین‌الملل جامعه اندیشکده‌ها

آذر ۱۴۰۵

مقدمه

گزارش پیشرو ماحصل رصد و بررسی اندیشکده‌ها و مراکز مطالعاتی با موضوع مرور و بررسی محاصره احتمالی زمینی ایران است که در قالب مقاله، یادداشت، گزارش ویژه و نشست یا پادکست منتشر کرده‌اند. همچنین گفتنی است که مبنای این گزارش، محتوای تولیدی صرفا مراکز مطالعاتی-اندیشکده‌ای است و نه خبرگزاری و وبگاه‌های تحلیلی در این حوزه.

ملاحظه روش‌شناختی در این گزارش، «محاصره زمینی» به‌عنوان یک مفهوم تحلیلی برای بررسی مجموعه اقداماتی به کار می‌رود که می‌توانند دسترسی ایران به مسیرهای زمینی تجارت، شبکه‌های حمل‌ونقل، تسویه‌های مالی و بازارهای همسایه را محدود کنند. این مفهوم لزوما بهمعنای بسته‌شدن فیزیکی و هماهنگ تمام مرزهای زمینی ایران نیست. گزارش‌ها و مطالب بررسی‌شده، شواهدی از تحریم‌های ثانویه، فشار بر شبکه‌های مالی و تجاری، اختلال در برخی گذرگاه‌ها و تلاش برای افزایش هزینه مبادلات ارائه می‌کنند؛ اما این موارد به‌تنهایی وجود یک طرح یکپارچه برای انسداد همه مرزهای زمینی ایران را اثبات نمی‌کنند.

موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، اتصال آن به خلیج فارس، دریای عمان، دریای کاسپین و چندین کشور همسایه، شبکه‌ای متنوع از مسیرهای تجاری و ترانزیتی ایجاد کرده است. همین تنوع، در شرایط عادی ظرفیت مهمی برای تاب‌آوری اقتصادی و کاهش وابستگی به یک مسیر مشخص محسوب می‌شود؛ اما در شرایط تشدید فشار خارجی، هر یک از این مسیرها می‌تواند به نقطه‌ای برای اعمال محدودیت مالی، تجاری، گمرکی یا امنیتی تبدیل شود. ازاین‌منظر، بررسی محاصره زمینی مستلزم تحلیل همزمان جغرافیا، اقتصاد سیاسی، زیرساخت حمل‌ونقل و روابط ایران با کشورهای پیرامونی است.

مطالب بررسی‌شده نشان می‌دهد که بخشی از سیاست فشار علیه ایران از محدودسازی مستقیم صادرات نفت و حمل‌ونقل دریایی فراتر رفته و به شبکه‌های بانکی، شرکت‌های واسطه، خدمات هوایی، حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای و مبادلات با کشورهای ثالث توجه کرده است. در این چارچوب، فشار بر مسیرهای زمینی می‌تواند مکمل محدودیت‌های دریایی باشد؛ زیرا انتقال بخشی از تجارت به خشکی، هرچند امکان تداوم مبادلات را فراهم می‌کند، هزینه حمل، زمان تحویل، پیچیدگی تسویه مالی و مخاطرات حقوقی فعالیت شرکت‌ها را نیز افزایش می‌دهد.

از منظر جمهوری اسلامی ایران، مسئله اصلی صرفا بسته‌شدن یک گذرگاه یا اعمال تحریم علیه یک شرکت نیست، بلکه احتمال شکل‌گیری زنجیره‌ای از محدودیت‌های مرتبط با یکدیگر است. اگر فشار بر بانک‌ها، شرکت‌های حمل‌ونقل، بیمه‌گران، تامین‌کنندگان قطعات و نهادهای واسطه همزمان شود، حتی مسیرهای جغرافیایی باز نیز ممکن است از نظر اقتصادی کم‌استفاده یا پرهزینه شوند. بنابراین، مفهوم محاصره زمینی در این گزارش بیشتر به محدودسازی کارکرد اقتصادی مسیرها اشاره دارد تا انسداد فیزیکی مرزها؛ تمایزی که برای ارزیابی دقیق تهدید و پرهیز از برآوردهای اغراق‌آمیز ضروری است.

اهمیت این موضوع با توجه به نقش کشورهای پیرامونی در تجارت ایران افزایش می‌یابد. ترکیه، عراق و اقلیم کردستان عراق، پاکستان، ارمنستان، جمهوری‌آذربایجان، ترکمنستان، روسیه و شبکه‌های متصل به آسیایمرکزی، هر یک به‌نحوی در دسترسی ایران به بازارها، کالاها یا مسیرهای جایگزین نقش دارند. بااین‌حال، ظرفیت و جهت‌گیری این کشورها یکسان نیست و تصمیم‌های آنان ممکن است از ملاحظات امنیتی، منافع تجاری، مقررات داخلی، فشارهای خارجی یا اختلافات دوجانبه تاثیر بپذیرد. ازاین‌رو، تحلیل محاصره زمینی باید تفاوت میان تصمیم مستقل همسایگان و فشار منتسب به آمریکا را حفظ کند.

تحریم‌های ثانویه یکی از ابزارهای محوری در این معادله به شمار می‌روند. این تحریم‌ها می‌توانند شرکت‌ها و موسسات مالی غیرامریکایی را در معرض خطر محرومیت از بازار امریکا، محدودیت دسترسی به نظام مالی بین‌المللی یا هزینه‌های حقوقی قرار دهند. درنتیجه، حتی بدون صدور دستور رسمی برای بستن مرز، بازیگران اقتصادی ممکن است همکاری با ایران را کاهش دهند یا متوقف کنند. از منظر راهبردی، این سازوکار می‌تواند آثار محدودکننده‌ای مشابه برخی پیامدهای انسداد تجاری ایجاد کند، هرچند از نظر حقوقی، عملیاتی و جغرافیایی با بسته‌شدن فیزیکی گذرگاه‌ها متفاوت است.

هدف این گزارش، استخراج تصویری منسجم از روندهای مورد اشاره، شناسایی نقاط آسیب‌پذیر و ارزیابی گزینه‌های سیاستی از منظر جمهوری اسلامی ایران است. تحلیل حاضر میان اقدامات مستند، ادعاهای مطرح‌شده در گزارش‌های اندیشکده‌ای و پیشنهادهای سیاستی نویسندگان تمایز می‌گذارد. همچنین، به‌جای فرض قطعی درباره وجود یک طرح واحد و کاملا هماهنگ برای محاصره زمینی، بر بررسی هم‌افزایی احتمالی میان تحریم‌ها، محدودیت‌های حمل‌ونقل، اختلالات مرزی و فشارهای دیپلماتیک تمرکز می‌کند. این رویکرد، مبنای واقع‌بینانه‌تری برای تصمیم‌سازی اقتصادی و امنیتی فراهم می‌سازد.

خلاصه مدیریتی

جمع‌بندی راهبردی مطالب بررسی‌شده این است که فشار اقتصادی علیه ایران می‌تواند ازطریق پیوند میان محدودیت‌های دریایی، تحریم‌های مالی و هدف‌گیری شبکه‌های زمینی تشدید شود. در چنین الگویی، مسیرهای جاده‌ای و ریلی نه‌تنها گزینه‌های جایگزین تجارت، بلکه بخشی از میدان رقابت اقتصادی و حقوقی محسوب می‌شوند. هدف احتمالی سیاستگذاران فشار، افزایش هزینه دسترسی ایران به کالا، ارز، فناوری و بازارهای منطقه‌ای است. بااین‌حال، شواهد موجود را نباید معادل اثبات انسداد هماهنگ همه مرزهای زمینی دانست؛ مسئله اصلی، محدودشدن تدریجی کارایی اقتصادی این مسیرهاست.

مهم‌ترین ابزار فشار شناسایی‌شده، گسترش تحریم‌ها از بازیگران مستقیم ایرانی به شرکت‌ها، بانک‌ها، واسطه‌ها و تامین‌کنندگان خارجی است. این الگو، شبکه‌ای از روابط تجاری را هدف قرار می‌دهد که برای انتقال پول، تامین قطعات، حمل کالا یا تسویه معاملات به همکاری چند کشور وابسته‌اند. فشار بر این شبکه‌ها می‌تواند حتی مبادلاتی را که از نظر جغرافیایی امکان‌پذیر هستند، با تاخیر، هزینه بالاتر یا عدم قطعیت مواجه سازد. از دیدگاه ایران، مقابله موثر مستلزم توجه همزمان به زیرساخت فیزیکی تجارت و زیرساخت مالی و حقوقی آن است.

کریدورهای مرتبط با ترکیه، عراق و اقلیم کردستان، پاکستان، قفقاز، روسیه و آسیایمرکزی از منظر تاب‌آوری اقتصادی اهمیت ویژه‌ای دارند. بااین‌حال، تنوع جغرافیایی به‌تنهایی تضمین‌کننده مصونیت نیست؛ زیرا مسیرهای مختلف ممکن است به بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، تامین‌کنندگان مشترک یا سازوکارهای تسویه مشابه وابسته باشند. اگر فشار بر این حلقه‌های مشترک متمرکز شود، چند مسیر ظاهرا مستقل ممکن است همزمان با اختلال روبه‌رو شوند. بنابراین، معیار تاب‌آوری باید بر تنوع واقعی زیرساخت، خدمات مالی، طرف‌های تجاری و ظرفیت عملیاتی استوار باشد، نه صرفا تعداد گذرگاه‌های موجود.

تحولات مربوط به گذرگاه‌های پاکستان و ایران نشان می‌دهد که توقف یا کندی تجارت مرزی می‌تواند پیامدهایی فراتر از تجارت کلان داشته باشد. معیشت مناطق مرزی، انتقال کالاهای مصرفی، حمل‌ونقل کامیونی و فعالیت بنگاه‌های کوچک به استمرار عبورومرور وابسته‌اند. بااین‌حال، دلایل اعلامی برای اختلال‌ها از جمله نگرانی‌های امنیتی، قاچاق یا تصمیم‌های اداری، باید جداگانه بررسی شوند. نسبت‌دادن هر تعطیلی مرزی به سیاست آمریکا بدون شواهد مستقل، خطر خطای تحلیلی دارد و ممکن است به ارزیابی نادرست انگیزه همسایگان و طراحی پاسخ‌های نامتناسب منجر شود.

یکی از محورهای برجسته در مطالب اندیشکده‌ای، انتقال فشار از تجارت دریایی به شبکه‌های زمینی و ریلی است. برخی نویسندگان و کارشناسان اندیشکده‌های پیشنهاد کرده‌اند شرکت‌های حمل‌ونقل، باربری، تامین‌کنندگان صنعتی و بنگاه‌های مظنون به همکاری با ایران هدف تحریم قرار گیرند. این پیشنهادها نشان‌دهنده جهت‌گیری احتمالی سیاستی هستند، نه لزوما اقداماتی که همگی اجرا شده‌اند. از منظر ایران، پایش تفاوت میان تحریم‌های مصوب، پیشنهادهای کارشناسی و ادعاهای سیاسی اهمیت عملیاتی دارد؛ زیرا پاسخ دیپلماتیک، اقتصادی و امنیتی باید متناسب با سطح واقعی اقدام و شواهد موجود تنظیم شود.

اولویت راهبردی جمهوری اسلامی ایران باید افزایش تاب‌آوری شبکه تجارت زمینی ازطریق دیپلماسی فعال با همسایگان، ارتقای زیرساخت‌های ریلی و جاده‌ای، تسهیل گمرک، کاهش آسیب‌پذیری پرداخت‌ها و تقویت تولید داخلی باشد. توسعه روابط تجاری متوازن، سرمایه‌گذاری مشترک و سازوکارهای قانونی تسویه می‌تواند هزینه همکاری با ایران را برای شرکای منطقه‌ای کاهش دهد. در کنار آن، حمایت از مناطق مرزی و ایجاد سامانه پایش اختلالات ضروری است. راهبرد موثر نه بر فرض بازبودن همیشگی همه مسیرها، بلکه بر آمادگی برای اختلال، جایگزینی سریع و حفظ اعتماد همسایگان استوار می‌شود.

مقالات و یادداشت‌ها

آیا ترکیه درحال تغییر موضع دربرابر تهران است یا صرفا می‌کوشد از وزارت خزانه‌داری امریکا دور بماند؟

بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) – 24 سپتامبر 2026

این یادداشت به تصمیم نهاد ناظر بانکی ترکیه برای لغو مجوز فعالیت شعبه استانبول بانک ملت ایران می‌پردازد؛ بانکی که به‌دلیل ارتباط با دولت ایران، پیش‌تر در معرض تحریم‌های امریکا قرار داشته است. نویسندگان این گزارش، این اقدام را در چارچوب افزایش فشارهای واشنگتن بر شبکه‌های مالی مرتبط با ایران بررسی می‌کنند و آن را پس از تحریم بانک سرمایه‌گذاری ترکیه‌ای گلدن گلوبال و دو شرکت وابسته به آن، به‌دلیل ارتباط ادعایی با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، قرار می‌دهند. به‌گفته یادداشت، ترکیه همچنین فعالیت پروازهای میان دو کشور را متوقف کرده است؛ تحولاتی که نویسندگان با تلاش آنکارا برای کاهش خطر تحریم‌های ثانویه آمریکا مرتبط می‌دانند.

در بخش اقتصادی، یادداشت توضیح می‌دهد که شعب خارجی بانک ملت و سایر ارتباطات بانکی برون‌مرزی ایران، امکان تسویه مالی و حفظ بخشی از تجارت بین‌المللی را فراهم می‌کرده‌اند. نویسندگان معتقدند محدودشدن این شبکه‌ها می‌تواند دسترسی ایران به ارزهای معتبر را دشوارتر کند و هزینه تجارت با شرکای خارجی را افزایش دهد؛ همچنین ممکن است مبادلات به مسیرهای غیررسمی‌تر و کم‌بازده‌تر منتقل شوند. آن‌ها با اشاره به پرونده پیشین بانک خلق ترکیه، خواستار ادامه فشار واشنگتن بر آنکارا برای اجرای محدودیت‌های مالی علیه ایران هستند.

ایالات متحده باید با شرکت‌های پوششی ادعایی ایران در اقلیم کردستان عراق برخورد کند

انجمن خاورمیانه – 5 اکتبر 2026

مایکل روبین در این یادداشت، انتقال بخشی از تجارت ایران از مسیرهای دریایی به مسیرهای زمینی را تلاشی برای دورزدن محاصره امریکا توصیف می‌کند و می‌نویسد ترکیه، جمهوری‌آذربایجان و ترکمنستان در این روند نقش دارند. او با اشاره به خروج نیروهای امریکایی از عراق، استدلال می‌کند که واشنگتن بخشی از اهرم‌های نفوذ خود را از دست داده است؛ درعین‌حال، مدعی است امریکا می‌تواند ازطریق دستگاه‌های اطلاعاتی و وزارت خزانه‌داری، شبکه‌های تجاری مرتبط با ایران را هدف قرار دهد.

تمرکز مقاله بر اقلیم کردستان عراق، به‌ویژه پیوندهای اقتصادی فرامرزی و امکان استفاده از شرکت‌ها برای کاهش اثر تحریم‌هاست.

نویسنده به شرکت‌ها و مجموعه‌هایی از جمله گروه نوکان، نیکان هولدینگ، بنیاد آنزو و ناترون اشاره می‌کند و درباره ارتباطات تجاری برخی از آنان با ایران یا نهادهای مرتبط با سپاه پاسداران ادعاهایی مطرح می‌کند؛ این موارد در مقاله به‌عنوان نگرانی‌ها و گزارش‌های مورد استناد نویسنده بیان شده‌اند و نباید همگی را واقعیت اثبات‌شده تلقی کرد. روبین همچنین به انتقال سوخت، تجارت مصالح ساختمانی و ورود کالاهای صنعتی و کشاورزی ایران به بازارهای عراق و اقلیم کردستان می‌پردازد. پیشنهاد اصلی او، شناسایی و پاسخگوکردن شرکت‌ها و سرمایه‌گذارانی است که به ادعای وی در دورزدن تحریم‌ها نقش دارند. مقاله از تشدید فشار اقتصادی حمایت می‌کند، اما طرح مشخصی برای بستن فیزیکی گذرگاه‌های زمینی ایران با همسایگان ارائه نمی‌دهد.

مسیرهای تجاری متعدد به ایران کمک می‌کنند تحریم‌ها را دور بزنند

موسسه هادسون – 29 سپتامبر 2026

این یادداشت به تلاش دولت دونالد ترامپ برای افزایش انزوای اقتصادی ایران از طریق تحریم‌ها و محدودکردن شبکه‌های تجاری و مالی می‌پردازد. به‌نوشته حسین حقانی، با محدودشدن تجارت دریایی و فشارهای آمریکا، ایران بیش از گذشته از بنادر دریای کاسپین و مرزهای زمینی برای ادامه واردات و صادرات استفاده می‌کند. نویسنده روسیه، پاکستان و چین را از شرکای مهم این مسیرها معرفی می‌کند و ترکیه را نیز بازاری بالقوه برای تجارت ایران می‌داند. در این چارچوب، محاصره دریایی آمریکا به افزایش اهمیت کریدورهای زمینی و ریلی انجامیده، هرچند ظرفیت و هزینه این مسیرها با حمل‌ونقل دریایی قابل مقایسه نیست.

بخش مهمی از یادداشت به مرز ایران و پاکستان اختصاص دارد؛ جایی که مسیرهای عبوری از گذرگاه‌های گبد و تفتان، مبادله کالاهای اساسی، سوخت و محصولات صنعتی و کشاورزی را امکان‌پذیر می‌کنند. نویسنده همچنین به سازوکارهای تهاتری، تسویه‌های مالی خارج از شبکه سوئیفت و مسیرهای ریلی عبوری از قزاقستان و ترکمنستان اشاره می‌کند که می‌توانند اثر تحریم‌ها را کاهش دهند. از نگاه او، امریکا ممکن است با تهدید شرکای تجاری ایران به تحریم‌های ثانویه، بر این شبکه‌ها فشار وارد کند؛ به‌ویژه پاکستان که مسیرهایش از بلوچستان می‌گذرند. بااین‌حال، مقاله از بسته‌شدن قطعی همه گذرگاه‌های زمینی خبر نمی‌دهد؛ موضوع اصلی آن رقابت بر سر محدودسازی یا حفظ مسیرهای جایگزین تجارت ایران است.

قطع دسترسی ایران به آسیایمرکزی، درحالی‌که ارمنستان همچنان مسیر را باز نگه می‌دارد

مرکز مطالعات راهبردی بگین - سادات (بسا) – 27 سپتامبر 2026

این گزارش به محدودترشدن ارتباطات منطقه‌ای ایران در پی تشدید تحریم‌های آمریکا می‌پردازد و عمدتا بر تعلیق پروازها و محدودیت‌های عبور هواپیماهای ایرانی از حریم هوایی کشورهای همسایه تمرکز دارد. بر اساس گزارش، پس از تحریم‌های وزارت خزانه‌داری امریکا در ۸ سپتامبر ۲۰۲۶ علیه ۳۶ فرد و نهاد مرتبط با صنعت هوانوردی ایران، جمهوری‌آذربایجان پرواز شرکت‌های هواپیمایی ایرانی را تعلیق کرد و گرجستان نیز محدودیت‌هایی برای شرکت‌های مشمول تحریم در نظر گرفت. گزارش همچنین از بازگشت یک پرواز تهران–دوشنبه به‌دلیل محدودیت عبور از حریم هوایی ترکمنستان و جمهوری‌آذربایجان یاد می‌کند. نویسندگان این تحولات را بخشی از فشار گسترده‌تر آمریکا بر روابط اقتصادی و منطقه‌ای ایران می‌دانند.

درمقابل این روند، گزارش ارمنستان را نمونه‌ای از تداوم همکاری با ایران معرفی می‌کند. طبق متن گزارش، دو کشور در ۱۴ سپتامبر پروتکلی برای تسهیل تشریفات گمرکی و جابه‌جایی محموله‌ها امضا کردند و مذاکراتی نیز درباره گسترش ارتباطات ریلی و تجاری از جمله مسیر پیشنهادی از استان سیونیک ارمنستان، انجام شده است. گزارش احتمال می‌دهد که واشنگتن در آینده همکاری ارمنستان با ایران را از منظر اجرای تحریم‌ها و امکان دورزدن محدودیت‌های تجاری بررسی کند. نمونه ارمنستان نشان می‌دهد که دست‌کم یک مسیر زمینی همچنان برای تسهیل تجارت دوجانبه مورد استفاده و توسعه قرار دارد.

عملیات «طرد اقتصادی» و فلج راهبردی ایران

موسسه راهبرد و امنیت اورشلیم (JISS) – 10 سپتامبر 2026

این مقاله به کارزار فشار اقتصادی آمریکا علیه ایران تحت عنوان «عملیات طرد اقتصادی» می‌پردازد؛ کارزاری که به‌گفته نویسنده، از ترکیب تحریم‌های ثانویه، محاصره دریایی بنادر ایران و تلاش‌های منطقه‌ای برای محدودکردن روابط تجاری تهران تشکیل شده است. مقاله استدلال می‌کند که هدف این اقدامات صرفا کاهش درآمدهای نفتی نیست، بلکه دشوارترکردن دسترسی ایران به واردات، ارز خارجی و منابع مالی موردنیاز برای بازسازی توان نظامی و صنعتی نیز هست. نویسنده به نقش امارات متحده عربی در شبکه‌های تجاری و مالی مرتبط با ایران اشاره می‌کند و تصمیم ادعایی این کشور برای تعلیق مبادلات تجاری و مالی با ایران را عاملی در افزایش هزینه و پیچیدگی تجارت خارجی تهران می‌داند.

در ارتباط با محاصره زمینی، مقاله توضیح می‌دهد که فشار بر مسیرهای دریایی و شبکه‌های مالی، اهمیت مسیرهای جایگزین تجارت را افزایش می‌دهد، اما عبور کالا از کشورهای ثالث نیز می‌تواند با تحریم‌های ثانویه و تهدید شرکت‌های حمل‌ونقل، واسطه‌های تجاری و موسسات مالی مواجه شود. نویسنده معتقد است چنین فشارهایی ممکن است تجارت ایران را کندتر، پرهزینه‌تر و نامطمئن‌تر کند و توان کشور برای تامین کالاهای ضروری و بازسازی ظرفیت‌های راهبردی را محدود سازد. بااین‌حال، مقاله عمدتا بر انزوای اقتصادی و محدودسازی شبکه‌های تجاری تمرکز دارد.

از نیروی نظامی تا انزوای اقتصادی: مرحله جدید سیاست ترامپ درقبال ایران

موسسه مطالعات امنیت ملی (INSS) – 27 اوت 2026

این گزارش به تغییر تمرکز دولت دونالد ترامپ از گسترش عملیات نظامی به تشدید فشارهای اقتصادی و مالی علیه ایران می‌پردازد. به‌نوشته نویسندگان، «عملیات طرد اقتصادی» با هدف کاهش درآمدهای ایران، محدودکردن توانایی آن برای دورزدن تحریم‌ها و دشوارترکردن تامین مالی برنامه‌های نظامی و شبکه‌های منطقه‌ای طراحی شده است. این سیاست علاوه‌بر تحریم مستقیم افراد، شرکت‌ها و کشتی‌ها، گسترش تحریم‌های ثانویه علیه بانک‌ها و شرکت‌های خارجی و کشورهایی را دنبال می‌کند که به تجارت با ایران ادامه می‌دهند. گزارش تاکید می‌کند که اجرای این اقدامات مرحله‌ای است و واشنگتن هنوز درباره برخی اهداف و زمان‌بندی تحریم‌های بعدی ابهام باقی گذاشته است.

از منظر محاصره زمینی، گزارش بر اهمیت شبکه‌های تجاری، مالی و حمل‌ونقل کشورهای همسایه، به‌ویژه ترکیه و عراق، در تداوم تجارت ایران تاکید دارد. نویسندگان معتقدند ترکیب محاصره دریایی با تحریم‌های ثانویه می‌تواند هزینه انتقال کالا، فروش نفت و دسترسی ایران به ارز خارجی را افزایش دهد؛ بااین‌حال، اجرای این سیاست با ملاحظات دیپلماتیک و اقتصادی آمریکا در روابط با شرکای تجاری ایران از جمله چین، روبه‌روست. گزارش همچنین به استفاده ایران از شرکت‌های واسطه، ناوگان حمل‌ونقل غیرشفاف و سازوکارهای جایگزین پرداخت اشاره می‌کند. در مجموع، تمرکز مقاله بر محدودسازی تدریجی شریان‌های اقتصادی ایران است، نه اعلام تصمیم رسمی برای بستن فیزیکی تمام گذرگاه‌های زمینی آن با کشورهای همسایه.

ترامپ باید روزنه ترکیه را که به ایران امکان دورزدن تحریم‌ها را می‌دهد، ببندد

بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) – 2 اکتبر 2026

این یادداشت به تلاش امریکا برای محدودکردن مسیرهای تجاری و مالی ایران و نقش ترکیه در تداوم ارتباطات اقتصادی تهران می‌پردازد. نویسندگان می‌گویند واشنگتن با هدف‌گیری شبکه‌های کشتیرانی، بانکی و مالی ایران، این کشور را به استفاده بیشتر از مسیرهای زمینی و پرهزینه‌تر سوق داده است؛ بااین‌حال، از دید آنان، ادامه پرواز شرکت‌های هواپیمایی تحریم‌شده ایران به ترکیه، یکی از خلاهای اجرای سیاست فشار امریکا محسوب می‌شود. این یادداشت به لغو مجوز شعبه استانبول بانک ملت و توقف برخی پروازها اشاره می‌کند، اما مدعی است شرکت‌های خدمات فرودگاهی ترکیه همچنان به هواپیماهای ایرانی خدمات ارائه می‌دهند و به‌این‌ترتیب، بخشی از ارتباطات فرامرزی ایران حفظ شده است.

نویسندگان، همچنین، شرکت ترکیه‌ای «فوگو گراند سرویسز» را مثال می‌زنند و با استناد به سوابق هوانوردی ترکیه مدعی‌اند این شرکت با دستکم هشت شرکت هواپیمایی تحریم‌شده ایران قرارداد داشته است. پیشنهاد اصلی مقاله، اعمال تحریم علیه شرکت‌هایی است که به هواپیماهای ایرانی خدمات زمینی، جابه‌جایی مسافر و بار یا پشتیبانی فرودگاهی ارائه می‌کنند؛ همچنین از واشنگتن می‌خواهد آنکارا را به توقف پروازهای شرکت‌های ایرانی تحت تحریم ملزم کند. از منظر محاصره زمینی، مقاله به افزایش وابستگی ایران به مسیرهای زمینی در پی محدودیت‌های دریایی و مالی اشاره دارد، اما تمرکز مستقیم آن بر محدودسازی دسترسی هوایی و خدمات فرودگاهی ترکیه است.

محاصره در مرزهای ایران اثرگذار است؛ ترامپ نباید اکنون عقب‌نشینی کند

بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) – 24 سپتامبر 2026

این یادداشت تاثیر محاصره دریایی و هوایی امریکا بر تجارت ایران و افزایش استفاده از مسیرهای زمینی را بررسی می‌کند. نویسندگان می‌گویند هزاران کامیون در گذرگاه‌های مرزی ایران با ترکیه و افغانستان صف کشیده‌اند و بازرسی‌های گمرکی و امنیتی، انتقال کالا را با تاخیر مواجه کرده است. به‌نوشته آنان، حمل کانتینر از مسیر زمینی حدود چهار برابر مسیر دریایی هزینه دارد و محدودیت‌های عبور کامیون‌ها مانع جبران حجم پیشین تجارت دریایی می‌شود. مقاله همچنین مدعی است محاصره اعمال‌شده از ژوئیه، بارگیری نفت ایران را به‌شدت کاهش داده و فشار بر تامین سوخت، درآمدهای ارزی و فعالیت اقتصادی کشور را افزایش داده است.

پیشنهاد محوری نویسندگان، گسترش محاصره از حوزه‌های دریایی و هوایی به بخش حمل‌ونقل زمینی و لجستیک است. آن‌ها خواستار گسترش تحریم‌ها علیه شرکت‌های باربری (کامیون‌داری)، واسطه‌های حمل بار و پایانه‌های بار خشک مرتبط با

محموله‌های ایران هستند و توصیه می‌کنند دسترسی این مجموعه‌ها به دلار و خدمات بانکی محدود شود. همچنین، فشار بر کشورهای همسایه برای قطع خدمات مالی به ایران و محدودسازی پرداخت‌های نقدی عراق بابت واردات گاز و برق از دیگر پیشنهادهای مقاله است. نویسندگان تاکید می‌کنند که برای اجرای چنین محاصره‌ای لزوما به استقرار نیروهای زمینی نیاز نیست. بااین‌حال، متن گزارش عمدتا پیشنهاد تشدید فشار و محدودسازی لجستیکی را مطرح می‌کند.

ایران: به‌روزرسانی گزارش روزانه

تهدیدات حیاتی (Critical Threats) وابسته به موسسه امریکن اینترپرایز – 29 سپتامبر 2026

این گزارش پیامدهای اقتصادی محاصره بنادر ایران از سوی امریکا، محدودیت پرواز شرکت‌های هواپیمایی ایرانی و گسترش تحریم‌های شبکه‌های درآمدی تهران را بررسی می‌کند. به ارزیابی نویسندگان، ترکیب این اقدامات به کاهش دسترسی ایران به ارز خارجی، افزایش تورم و افت ارزش ریال انجامیده است. گزارش می‌گوید محدودیت تجارت دریایی و پروازهای خارجی، ایران را به استفاده بیشتر از مسیرهای زمینی سوق داده و در نزدیکی گذرگاه‌های مرزی، صف‌های طولانی کامیون‌ها و تاخیر در جابه‌جایی کالا ایجاد کرده است. این وضعیت، به‌ویژه برای انتقال کالاهای تجاری و تامین نیازهای اقتصادی، فشار بیشتری بر شبکه حمل‌ونقل ایران وارد می‌کند.

گزارش همچنین توضیح می‌دهد که تشدید مشکلات اقتصادی ممکن است بر محاسبات مقام‌های ایرانی در مذاکرات با امریکا اثر بگذارد؛ به‌نوشته نویسندگان، برخی جریان‌های سیاسی ایران خواهان توافقی برای کاهش فشار اقتصادی هستند، هرچند اختلاف‌نظر درباره امتیازدهی به واشنگتن ادامه دارد. ازمنظر محاصره زمینی، گزارش افزایش اتکا به مسیرهای زمینی را پیامد محدودیت‌های دریایی و هوایی می‌داند، نه نتیجه بسته‌شدن کامل مرزهای زمینی. درواقع، متن از ازدحام و کندی عبور در گذرگاه‌ها سخن می‌گوید و شواهدی ارائه نمی‌کند که نشان دهد آمریکا یا کشورهای همسایه تمام مرزهای زمینی ایران را مسدود کرده‌اند. بنابراین، موضوع اصلی گزارش، فشار اقتصادی ناشی از محاصره و دشواری فزاینده انتقال کالا از مسیرهای جایگزین زمینی است.

تاب‌آوری ازطریق پیوندها: روسیه، ایران و چشم‌انداز تجارت شمال–جنوب

مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی (CSIS) - 16 آوریل 2026

این گزارش به بررسی کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال–جنوب می‌پردازد؛ شبکه‌ای حدودا ۷۲۰۰ کیلومتری از مسیرهای جاده‌ای، ریلی و دریایی که در صورت تکمیل، روسیه را ازطریق قفقاز جنوبی و آسیایمرکزی به خلیج فارس و هند متصل می‌کند. نویسندگان توضیح می‌دهند که تحریم‌های غرب علیه روسیه پس از حمله این کشور به اوکراین در سال ۲۰۲۲، انگیزه مسکو برای توسعه مسیرهای تجاری جایگزین را افزایش داده و همزمان، منافع اقتصادی روسیه و ایران را به یکدیگر نزدیک‌تر کرده است. این کریدور می‌تواند وابستگی دو کشور به شبکه‌های تجاری تحت نفوذ غرب را کاهش دهد؛ بااین‌حال، سرمایه‌گذاری سنگین موردنیاز، کاستی‌های زیرساختی و اختلافات ژئوپلیتیکی منطقه، تحقق کامل ظرفیت آن را با ابهام مواجه می‌کند.

ازمنظر محاصره زمینی ایران، اهمیت گزارش در توضیح نقش مسیرهای زمینی و ریلی در حفظ تجارت خارجی و کاهش آسیب‌پذیری در برابر محدودیت‌های دریایی است. توسعه کریدور شمال–جنوب می‌تواند ارتباط ایران با روسیه، قفقاز و آسیای مرکزی را تقویت کند و امکان انتقال بخشی از کالاها را از مسیرهای جایگزین فراهم آورد. نویسندگان همچنین بررسی می‌کنند که این شبکه چگونه ممکن است به ایران و روسیه برای کاهش آثار تحریم‌های غرب کمک کند و بر الگوهای تجارت منطقه‌ای اثر بگذارد. تمرکز آن بر ظرفیت راهبردی کریدورهای جایگزین، موانع توسعه آنان و پیامدهای احتمالی برای نظام تجارت بین‌المللی است.

تحلیل راهبردی

تحلیل محتوا

بر اساس گزارش‌ها و یادداشت‌های مورد بررسی نویسندگان و کارشناسان آمریکایی-صهیونیستی در اندیشکده‌ها با تمرکز بر محاصره احتمالی زمینی ایران، تحلیل محتوای این گزارش‌ها عبارتند از:

لایه‌بندی ابزارهای فشار اقتصادی. محتوای گزارش‌های بررسی‌شده نشان می‌دهد که فشار علیه ایران را می‌توان در چند لایه مرتبط تحلیل کرد: محدودیت بر صادرات و حمل‌ونقل دریایی، هدف‌گیری بانک‌ها و شبکه‌های تسویه، اعمال محدودیت علیه شرکت‌های واسطه و افزایش مخاطرات همکاری برای بنگاه‌های خارجی. در این چارچوب، فشار زمینی لزوما به اقدام نظامی یا استقرار نیرو در مرزها نیاز ندارد؛ محدودسازی خدمات ضروری تجارت نیز می‌تواند اثرگذار باشد. از منظر ایران، شناخت ارتباط میان این لایه‌ها برای جلوگیری از ارزیابی جزیره‌ای تحریم‌ها و تشخیص نقاط گلوگاهی زنجیره تامین ضروری است.

گذار از محاصره دریایی به محدودسازی خشکی. برخی مطالب اندیشکده‌ای، مسیرهای زمینی و ریلی را راهی برای کاهش اثر فشار بر تجارت دریایی ایران معرفی می‌کنند و همزمان خواستار گسترش نظارت و تحریم بر این مسیرها هستند. این رویکرد

بیانگر تلاش برای محدودکردن امکان جابه‌جایی تجارت میان شیوه‌های حمل‌ونقل است. از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، انتقال بخشی از مبادلات به خشکی می‌تواند وابستگی به مسیرهای دریایی را کاهش دهد اما به‌خودی‌خود مشکل دسترسی به ارز، بیمه، قطعات و تسویه مالی را حل نمی‌کند؛ بنابراین، جایگزینی مسیر باید همراه با تقویت کل زنجیره مبادله باشد.

ترکیه به‌عنوان گره تجاری و مالی. ترکیه بهدلیل مرز مشترک، زیرساخت جاده‌ای، پیوندهای تجاری و ارتباط با بازارهای اروپایی، در محاسبات مربوط به تجارت زمینی ایران جایگاه مهمی دارد. مطالب بررسی‌شده به فشارهای تحریمی بر برخی روابط بانکی و تجاری و نیز پیشنهادهایی برای محدودسازی روزنه‌های ادعایی دورزدن تحریم‌ها اشاره می‌کنند. این وضعیت می‌تواند شرکت‌های ترکیه‌ای را در انتخاب میان منافع تجارت با ایران و هزینه‌های احتمالی همکاری با آمریکا محتاطتر کند. پاسخ ایران باید بر دیپلماسی اقتصادی، شفافیت مقرراتی و شناسایی نیازهای متقابل متمرکز باشد، نه بر فرض قطعی تغییر موضع راهبردی آنکارا.

عراق و اقلیم کردستان به‌مثابه حلقه‌های حساس. اقلیم کردستان عراق در برخی گزارش‌ها به‌عنوان یکی از مسیرهای انتقال کالا و فعالیت شرکت‌های مرتبط با تجارت ایران مطرح شده است. پیشنهاد هدف‌گیری شرکت‌های موسوم به پوششی یا واسطه‌های تجاری، در صورت تبدیل‌شدن به اقدام اجرایی، می‌تواند بر شبکه‌های توزیع، حمل‌ونقل و همکاری اقتصادی اثر بگذارد. بااین‌حال، ادعاهای مربوط به ماهیت شرکت‌ها یا ارتباط آنان با نهادهای ایرانی نیازمند راستی‌آزمایی مستقل است. از منظر ایران، اهمیت این حوزه در پیوند میان تجارت محلی، روابط تهران و بغداد و ظرفیت اقلیم برای تسهیل یا محدودسازی مبادلات نهفته است.

پاکستان و آسیب‌پذیری تجارت مرزی. گزارش‌های مربوط به اختلال در گذرگاه‌های ایران و پاکستان از جمله تفتان و گبد–ریمدان، اهمیت تصمیم‌های عملیاتی مرزی را آشکار می‌کنند. توقف عبور کالا می‌تواند زمان حمل را افزایش دهد، کامیون‌ها را متوقف سازد و بر تجارت سوخت، کالاهای مصرفی و معیشت مناطق مرزی اثر بگذارد. بااین‌حال، دلایل اعلام‌شده مانند مسائل امنیتی، مقابله با قاچاق و ترتیبات گمرکی باید از فرضیه فشار خارجی تفکیک شوند. رویکرد مناسب برای ایران، پیگیری سازوکار مشترک مدیریت مرز، اطلاع‌رسانی سریع، تسهیل تجارت قانونی و ایجاد کانال‌های ارتباطی برای جلوگیری از تداوم اختلال است.

قفقاز و اهمیت مسیر ارمنستان. مطالب بررسی‌شده درباره دسترسی ایران به آسیامرکزی و نقش ارمنستان نشان می‌دهند که مسیرهای قفقاز از نظر اتصال منطقه‌ای اهمیت فزاینده‌ای دارند. در این میان، محدودیت‌های هوایی یا دشواری‌های ترانزیتی در برخی کشورهای منطقه با انسداد زمینی یکسان نیستند؛ همچنین استمرار همکاری گمرکی و امکان توسعه پیوندهای ریلی با ارمنستان می‌تواند ظرفیت اتصال ایران را حفظ کند. از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، تقویت ارتباط با ارمنستان باید در چارچوب همکاری اقتصادی پایدار، زیرساخت مشترک و احترام به حاکمیت کشورها دنبال شود. اتکای بیش از حد به یک گذرگاه، حتی اگر فعلا فعال باشد، ریسک راهبردی ایجاد می‌کند.

روسیه، دریای کاسپین و کریدور شمال–جنوب. مسیرهای مرتبط با روسیه، دریای کاسپین و کریدور بین‌المللی شمال–جنوب می‌توانند برای تنوع‌بخشی به مبادلات ایران و دسترسی به بازارهای شمالی و اوراسیایی اهمیت داشته باشند. بااین‌حال، ظرفیت این مسیرها به هماهنگی گمرکی، زیرساخت بندری و ریلی، زمان عبور، هزینه انتقال و امکان پرداخت وابسته است. تحریم‌های گسترده علیه موسسات مالی یا شرکت‌های مرتبط با زنجیره حمل‌ونقل ممکن است بر بعضی از این حلقه‌ها اثر بگذارد. راهبرد ایران باید توسعه عملیاتی کریدور را با رفع موانع اداری، قراردادهای پایدار و همکاری مستقیم با شرکای مسیر همراه کند، نه آنکه صرفا بر ارزش ژئوپلیتیکی آن تکیه داشته باشد.

تحریم‌های ثانویه و اثر بازدارندگی بر شرکت‌های خارجی. تحریم‌های ثانویه می‌توانند بدون ممانعت فیزیکی از عبور کالا، هزینه همکاری با ایران را برای بانک‌ها، شرکت‌های حمل‌ونقل و تامین‌کنندگان خارجی افزایش دهند. نگرانی از محرومیت از بازار آمریکا یا مواجهه با محدودیت‌های مالی ممکن است بنگاه‌ها را به قطع همکاری، افزایش قیمت یا درخواست تضمین‌های بیشتر سوق دهد. در نتیجه، مسیر زمینی از نظر جغرافیایی باز می‌ماند اما دسترسی تجاری به آن دشوارتر می‌شود. از منظر ایران، کاهش این آسیب‌پذیری مستلزم شناخت دقیق ریسک طرف‌های معامله، تنوع‌بخشی قانونی به شرکا و تقویت چارچوب‌های روشن قراردادی و مالی است.

فشار بر شبکه ریلی و تامین صنعتی. بخشی از اقدامات وزارت خزانه‌داری آمریکا، شرکت‌های صنعتی، ریلی و تامین‌کنندگان خارجی را هدف قرار می‌دهد. اهمیت این اقدامات در آن است که حمل‌ونقل ریلی تنها ابزار جابه‌جایی کالا نیست؛ این بخش به تجهیزات، قطعات، نگهداری، خدمات فنی و ارتباط با شبکه‌های تجاری خارجی نیاز دارد. محدودشدن دسترسی به این بخش‌ها ممکن است ظرفیت حمل را در بلندمدت تضعیف کند. از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، توسعه تولید داخلی قطعات، تعمیرات تخصصی، همکاری فنی منطقه‌ای و اولویت‌بندی پروژه‌های زیرساختی می‌تواند بخشی از ریسک وابستگی را کاهش دهد.

پیامدهای اجتماعی و اقتصادی در مناطق مرزی. هرگونه افزایش زمان عبور، توقف کامیون‌ها یا کاهش مبادلات قانونی می‌تواند درآمد کسب‌وکارهای محلی و اشتغال مناطق مرزی را تحت تاثیر قرار دهد. این پیامدها، در صورت تداوم، ممکن است به افزایش هزینه زندگی، افت درآمد خانوارها و گسترش فعالیت‌های غیررسمی منجر شوند. بااین‌حال، نباید از وجود این آسیب‌ها به‌تنهایی نتیجه گرفت که همه اختلالات با هدف ایجاد نارضایتی اجتماعی طراحی شده‌اند. از منظر ایران، حمایت هدفمند از فعالان قانونی، تسریع ترخیص کالا، خدمات‌رسانی در گذرگاه‌ها و گفت‌وگو با جوامع مرزی هم ضرورت اقتصادی دارد و هم می‌تواند اعتماد عمومی را تقویت کند.

جنگ روایت‌ها و مسئله راستی‌آزمایی. برخی گزارش‌های سیاستی، شبکه‌های تجاری ایران را با مفاهیمی مانند دورزدن تحریم‌ها، شرکت‌های پوششی یا اقتصاد غیرشفاف توصیف و بر اساس این چارچوب، اعمال فشار بیشتر را توصیه می‌کنند. از سوی دیگر، ایران می‌تواند این اقدامات را در قالب تلاش برای محدودسازی تجارت مشروع و تشدید فشار اقتصادی تفسیر کند. برای ارزیابی دقیق، لازم است ادعاهای مربوط به شرکت‌ها، ارتباطات مالی و نقش دولت‌ها با شواهد مستقل سنجیده شوند. تفکیک گزارش واقع‌نگارانه از توصیه سیاستی، مانع تبدیل تحلیل به بازنشر ادعاهای اثبات‌نشده و زمینه‌ساز تصمیم‌گیری مستندتر خواهد بود.

ارزیابی ظرفیت و محدودیت راهبرد محاصره زمینی. اجرای یک راهبرد فراگیر برای محدودسازی تجارت زمینی ایران به همکاری چندین کشور، هماهنگی مقرراتی، اجرای مستمر تحریم‌ها و کنترل شبکه‌های حمل‌ونقل و مالی نیاز دارد. تنوع منافع همسایگان، وابستگی اقتصادی متقابل، ظرفیت مسیرهای جایگزین و هزینه‌های اجرای محدودیت‌ها می‌توانند مانع تحقق کامل چنین راهبردی شوند. افزون بر این، اختلال در تجارت ایران ممکن است به بازرگانان و جوامع مرزی کشورهای همسایه نیز آسیب برساند. بنابراین، از منظر تحلیلی، باید میان ظرفیت احتمالی فشار و موفقیت عملی آن تمایز گذاشت؛ نتیجه نهایی به رفتار بازیگران منطقه‌ای و توان سازگاری اقتصادی ایران بستگی خواهد داشت.

مضامین محتوا

فهرست زیر مضامین اصلی و متمایز استخراج‌شده از مجموعه مطالب با محوریت محاصره احتمالی زمینی ایران را نشان می‌دهد.

1. تبدیل محاصره زمینی به فشار شبکه‌ای: محدودسازی تجارت می‌تواند بدون انسداد فیزیکی مرزها و از طریق هدف‌گیری پیوندهای مالی، لجستیکی و شرکتی انجام شود.
2. پیوند فشار دریایی با محدودیت‌های زمینی: فشار بر مسیرهای خشکی و ریلی می‌تواند با هدف کاهش امکان جایگزینی تجارت دریایی و محدودکردن انعطاف‌پذیری لجستیکی ایران دنبال شود.
3. تحریم ثانویه به‌مثابه ابزار بازدارندگی تجاری: تهدید محرومیت از بازارها و خدمات مالی بین‌المللی می‌تواند شرکت‌های غیرایرانی را به کاهش همکاری با ایران سوق دهد.
4. آسیب‌پذیری گلوگاه‌های مشترک لجستیکی: تعدد مسیرها زمانی کارآمد است که زیرساخت‌ها، خدمات حمل‌ونقل و تامین‌کنندگان آنان به نقاط مشترک و آسیب‌پذیر وابسته نباشند.
5. ترکیه و رقابت میان منافع تجاری و مخاطرات تحریمی: موقعیت ترکیه در تجارت منطقه‌ای ایران، این کشور را به یکی از نقاط مهم تعامل میان منافع اقتصادی و فشارهای ناشی از تحریم تبدیل می‌کند.
6. اقلیم کردستان و حساسیت شبکه‌های واسطه‌ای: هدف‌گیری شرکت‌های تجاری و واسطه‌های مستقر در اقلیم می‌تواند بر مسیرهای مبادله اثر بگذارد، اما ادعاهای مربوط به ماهیت این شرکت‌ها به راستی‌آزمایی نیاز دارد.
7. اختلال مرزی و سرایت آن به معیشت محلی: توقف عبور کالا می‌تواند بر حمل‌ونقل، اشتغال، قیمت‌ها و فعالیت بنگاه‌های مناطق مرزی ایران و کشورهای همسایه اثر بگذارد.
8. راهبرد فشار بر زیرساخت ریلی و صنعتی: تحریم شرکت‌های ریلی، تامین‌کنندگان قطعات و صنایع پشتیبان می‌تواند توان عملیاتی مسیرهای جایگزین را در بلندمدت کاهش دهد.
9. رقابت بر سر کریدورهای قفقاز و آسیایمرکزی: دسترسی به مسیرهای ارمنستان، دریای کاسپین و آسیایمرکزی بخشی از رقابت بر سر اتصال منطقه‌ای و کاهش وابستگی به مسیرهای محدود است.
10. دیپلماسی اقتصادی و وابستگی متقابل منطقه‌ای: گسترش منافع مشترک تجاری می‌تواند انگیزه همسایگان برای حفظ جریان مبادلات و مقاومت در برابر اختلالات پرهزینه را تقویت کند.
11. تاب‌آوری زنجیره تامین و بومی‌سازی هدفمند: افزایش ظرفیت داخلی در تعمیرات، قطعات و خدمات پشتیبان، احتمال اختلال در حمل‌ونقل و تجارت را کاهش می‌دهد.
12. ضرورت تفکیک اقدام مستند از سناریوی سیاستی: تمایز میان تحریم اجراشده، پیشنهاد اندیشکده‌ای، اختلال محلی و فرضیه هماهنگی خارجی، شرط تحلیل معتبر و پاسخ متناسب است.
13. پایش شاخص‌های عملیاتی تجارت مرزی: سنجش زمان عبور، هزینه حمل، حجم مبادلات و ظرفیت گذرگاه‌ها امکان ارزیابی اثر واقعی محدودیت‌ها و اصلاح سیاست‌ها را فراهم می‌کند.
14. مدیریت حقوقی و مالی ریسک مبادلات خارجی: قراردادهای روشن، شناخت تعهدات تحریمی و تنوع‌بخشی به طرف‌های معامله می‌توانند از آسیب‌پذیری بنگاه‌های ایرانی و شرکای آنان بکاهند.
15. رقابت روایی بر سر مشروعیت تجارت ایران: توصیف شبکه‌های تجاری ایران به‌عنوان سازوکارهای دورزدن تحریم و پاسخ ایران با تاکید بر حق تجارت، بخشی از منازعه سیاسی و اطلاعاتی پیرامون تحریم‌هاست.

جمع‌بندی مضامین

مهم‌ترین دلالت راهبردی این مجموعه آن است که حفاظت از اتصال زمینی ایران، به همان اندازه که به جغرافیا و زیرساخت وابسته است، به کیفیت روابط منطقه‌ای، پایداری خدمات مالی و توان مدیریت ریسک تجاری نیز بستگی دارد. اولویت باید تبدیل تعدد مسیرهای موجود به شبکه‌ای واقعا تاب‌آور، قابل جایگزینی و مبتنیبر منافع مشترک باشد.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

بررسی مجموعه مطالب نشان می‌دهد که محاصره زمینی ایران را باید بیش از آنکه صرفا بهمعنای انسداد مرزها بدانیم، در قالب احتمال محدودسازی شبکه‌ای تجارت، حمل‌ونقل و تسویه مالی تحلیل کنیم. فشار بر شرکت‌های واسطه، موسسات مالی، تامین‌کنندگان صنعتی و خدمات ریلی و جاده‌ای می‌تواند کارکرد اقتصادی مسیرهای موجود را کاهش دهد. بااین‌حال، شواهد بررسی‌شده برای اثبات بسته‌شدن هماهنگ همه مرزهای زمینی ایران کافی نیست. بنابراین، ارزیابی راهبردی باید بر تفکیک محدودیت‌های واقعی، اختلالات موردی، تحریم‌های اجرایی و پیشنهادهای سیاستی متمرکز باشد.

مهم‌ترین آسیب‌پذیری ایران، وابستگی احتمالی چند مسیر تجاری متفاوت به حلقه‌های مشترک مالی، بیمه‌ای، فنی و لجستیکی است. تعدد مرزها زمانی به مزیت راهبردی تبدیل می‌شود که مسیرهای جایگزین از نظر عملیاتی قابل استفاده باشند و به مجموعه محدودی از واسطه‌ها یا سازوکارهای پرداخت وابسته نمانند. از این منظر، توسعه زیرساخت جاده‌ای و ریلی باید با تنوع‌بخشی به شرکای تجاری، خدمات پشتیبان و روش‌های قانونی تسویه همراه شود. در غیر این صورت، تنوع جغرافیایی ممکن است در برابر فشار هماهنگ بر شبکه‌های مالی و خدماتی، کارایی محدودی داشته باشد.

دیپلماسی منطقه‌ای یکی از موثرترین ابزارهای کاهش آسیب‌پذیری در برابر محدودیت‌های زمینی است. روابط تجاری با ترکیه، عراق، پاکستان، ارمنستان، روسیه و کشورهای آسیایمرکزی باید بر منافع متقابل، پیش‌بینی‌پذیری مقررات و حل اختلافات اجرایی استوار باشد. ایران می‌تواند با توسعه توافق‌های گمرکی، تسهیل عبور کالا، تقویت زیرساخت‌های مشترک و ایجاد سازوکارهای مشورتی، هزینه اختلال در تجارت را برای همه طرف‌ها افزایش دهد. در این رویکرد، همسایگان نه صرفا مجاری انتقال کالا، بلکه شرکای دارای منافع مستقل و موثر در پایداری اتصال منطقه‌ای تلقی می‌شوند.

در سطح اقتصادی، کاهش اثر فشار مستلزم افزایش توان داخلی در حوزه‌هایی است که استمرار تجارت به آنان وابسته است. تولید قطعات و تجهیزات ریلی، ارتقای تعمیر و نگهداری ناوگان، دیجیتالی‌کردن تشریفات گمرکی، توسعه انبارداری و افزایش ظرفیت حمل‌ونقل می‌تواند از شدت اختلالات بکاهد. همزمان، حمایت از بنگاه‌های کوچک و فعالان قانونی مناطق مرزی اهمیت دارد؛ زیرا تداوم تجارت محلی به اشتغال و ثبات اقتصادی این مناطق کمک می‌کند. سیاست جایگزینی واردات نیز باید هدفمند باشد و بر کالاهای راهبردی، مزیت‌های داخلی و هزینه واقعی تولید تمرکز کند تا به افزایش غیرضروری هزینه‌ها منجر نشود.

از منظر اطلاعاتی و تصمیم‌سازی، ایران به سازوکاری مستمر برای پایش تحریم‌ها، اختلالات مرزی، تغییر مقررات کشورهای همسایه و پیشنهادهای مطروحه در اندیشکده‌های خارجی نیاز دارد. این سازوکار باید میان اقدام اجرایی و توصیه سیاستی تمایز بگذارد و هر ادعا درباره هماهنگی آمریکا با کشورهای منطقه را با شواهد مستقل ارزیابی کند. رصد زمان توقف کالا، هزینه حمل، ظرفیت گذرگاه‌ها و تغییر رفتار شرکت‌ها می‌تواند تصویر دقیق‌تری از اثر واقعی فشار ارائه دهد. تصمیم‌گیری بر اساس داده‌های قابل سنجش، احتمال واکنش شتاب‌زده و تخصیص نامناسب منابع را کاهش می‌دهد.

به نظر میرسد مواجهه موثر جمهوری اسلامی ایران با احتمال گسترش فشار زمینی مستلزم ترکیبی از دیپلماسی اقتصادی، تاب‌آوری زیرساختی، اصلاح فرآیندهای تجاری و پایش مستند تهدیدهاست. نه می‌توان اثر تحریم‌های ثانویه و اختلالات لجستیکی را نادیده گرفت و نه باید هر محدودیت مرزی را بدون بررسی شواهد، بخشی از طرحی واحد برای محاصره کامل ایران دانست. مزیت راهبردی ایران در این حوزه، به توان حفظ اتصال منطقه‌ای، توزیع ریسک میان مسیرها، حمایت از تجارت قانونی و تبدیل وابستگی متقابل با همسایگان به عامل بازدارنده در برابر اختلالات پایدار وابسته خواهد بود.

پایان/